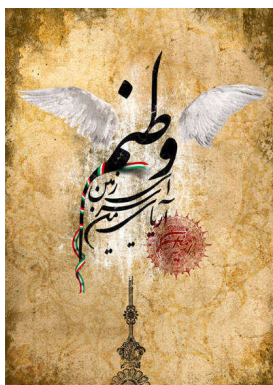




گالری تصاویر و ویدیوها

شعر من ! تصنیف ملی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲۷ آبان ۱۳۹۴ ۲۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

من زادگاه کوروشم آزاده ای پر شورشم من شهر پاک آرشم خون تن سیاوشم از غرب از ماد آمدم از گلشن داد آمدم من شیر مرد
پارسم موج خلیج فارس من پارتم اشکانیم ارژنگ پاک مانی ام شهنامه فردوسی ام اعجاز نظم طوسی ام من کاوه آهنگرم تاب
ستم را ناورم از چرم پرچم ساختم تا بر ستمگر تاختم سرباز مام میهنم گودرز و گیو و بیژنم سهراب خون غلتیده ام پور پدر
نادیده ام من داریوش پر جلال آن پادشاه بی مثال یاد خشایارشا منم سردار بی پروا منم نام مرا فریاد کن از طاق بستان یاد کن
همرزم و همراهش منم گهواره دانش منم هم یسن و یسنا



من زادگاه کوروشم آزاده ای پر شورشم من شهر پاک آرشم خون تن سیاوشم
از غرب از ماد آمدم از گلشن داد آمدم من شیر مرد پارسم موج خلیج فارسم
من پارتم اشکانیم ارژنگ پاک مانی ام شهنامه فردوسی ام اعجاز نظم طوسی ام
من کاوه آهنگرم تاب ستم را ناورم از چرم پرچم ساختم تا بر ستمگر تاختم
سرباز مام میهنم گودرز و گیو و بیژنم سهراب خون غلتیده ام پور پدر نادیده ام
من داریوش پر جلال آن پادشاه بی مثال یاد خشایارشا منم سرداری پروا منم
نام مرا فریاد کن از طاق بستان یاد کن همزم و همراهش منم گهواره دانش منم

هم یسن و یسنا داشتیم خرده اوستا داشتیم من سومینم داریوش آن شاه خونین و خموش
یورش به دشمن برده ام تیغ ازسکندرخورده ام یک شاه اما بی سپاه با دشمنانش بی پناه
جنگید و کشت و کشته شد تاجش به خون آغشته شد کس برتنش دستی نبرد تا آریو برزن نمرد
داغ دل رومی منم من سورن اشکانیم من تخت جمشید جمم کسری وشوش ارگ بمم
من اردشیر بابکم گیتی به نوک ناوکم نوشیروانم شاه داد از دوده بابک نژاد
من مزدک روشنگرم پراهورا بر سرم من مزده نو داشتم باغ شهادت کاشتم
یعقوب لیثم، نادر من مازیارم، طاهر تیغ کریم زندیم ختم حقارتمندیم
من دیوهای مست را آن دشمنان پست را من دختران بی پدر من مادران بی پسر
بسیار برخورد دیده ام وز داغشان رنجیده ام من پور فرخزاد را آن پاک دین راد را
دیدم که درجنگ ونبرد با دشمن ایران چه کرد آتشگهم ویرانه شد ایزد ز ما بیگانه شد
می کوفت سوت تازیان تا قرن ها برپشتمان کردندخونینم جگر ضحاک ها بار دگر
ذلت خدایا تا کجا قوم قجر شد پادشاه ازجور شاهان قجر آن بزدلان بی جگر
صد تکه ام تاراج شد سهم خراج و باج شد امروز بی بال و پرم افتاده دیهیم از سرم
اما خدایم زنده است خاک تنم پاینده است روزی رسیدزدان پاک دستی کشد بر روی خاک
آن روز ایران را ببین برترزمصر و روم و چین با فر یزدان آشنا از بند اهریمن رها
چون آریاییم نژاد نامم خدا " ایران " نهاد

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «شعر من ! تصنیف ملی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1715/pdf/من-تصنیف-ملی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰